

<p>تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ تلفار: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰</p> <p>چاپ: شرکت چاپ جام‌جم – همشهری</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پدیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵ www.iran-newspaper.com</p>	
<p>اذان ظهر ۱۲/۰۱   اذان مغرب ۱۷/۱۴   نیمه شب شرعی ۲۳/۱۶   اذان صبح فردا ۵/۳۹   طلوع آفتاب فردا ۷/۰۹</p>	

**رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:**

**حق فرزند بر پدرش این است که... جز از راه حلال، روزی او را تأمین نکند.**

**سخن روز**
نوح الفصاحه ص ۴۴۷، ح ۱۳۹۴

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>	<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><span></span></div>
-------------------------------------------------------------------------------	-------------------------------------------------------------------------------

**نگاره**
منصوره دهقانی



به بهانه برگزاری نمایشگاه «زیباست ایران و ایرانی» جواد قارایی

## سبک و منش زندگی

قاب به قاب روشنائی، پنجره

به پنجره زیبایی زندگی است.

بی‌دستکاری افزوده، بی‌ناله

و نق، پهنه‌هایی پیش رو گذاشته است تا ایران را در گستره پنهاور و گوناگونی‌هایش بشناسیم و آگاهی فراتر از کوچه پس‌کوچه‌ها، خانه‌های ابرشهری و روزمرگی‌های دودانوده برسانیم. نگاه پرشور

و زندگی پر فروغ در چشمان پیر و جوان، زن و مرد را

پیش روی ما گذاشته است. چنان ژرف و به گونه‌ای گیرا

است که گویی ایران راستین را در استواری و شکیبایی این مردمان باید جست. دیداری است با شمار زیادی که با

دوربین زندگی نمی‌کنند، در پی دیده شدن هم نیستند،

ولی همین‌ا دیده‌بان هستی‌اند ونگاه‌بانان راستین پهنه

سرزمینی. روشن است که روزمره و زندگی ابرشهری در

تهران یا کالانشهرها به‌همه ما مجال رفتن به کنار کبرها،

پیمودن با سیاه‌چادرها و زیستن در کنار لنج‌ها را نداده

است. آنچه مجال و همش را نداشته‌ایم، قاب‌های

جواد قارایی و همکارانش در تالار آبی مجموعه

فرهنگی-تاریخی نیاوران، فراهم آورده است. پنجشنبه

بخت دیدن گستره‌ای پرامید و خوش‌نفس از ایران را

در آیین گشایش نمایشگاه عکس‌های این مستندساز

از ایران داشتم و دیدار و گفت‌وگو با کسانی چون دکتر

محمد درویش و برخی دوستان عکاس حرفه‌ای آخر

هفته‌ام را ساخت. نمایشگاهی که تا بیست و هفتم

آذرماه هر روز تا ساعت ۱۸ پرآ است. قارایی هم از جمله

کسانی است که ایران را به‌جان دوست دارند و نگران

حاشیه‌نشینی، ویرانی روستاها و زیستگاه‌ها، بی‌تفاوتی

مردم بویژه شهرها به بیستگی شناختن سرزمین( خاک

و آب و بافت جاندار و سبک‌های زندگی) و از میان رفتن



الهام فخاری عضو شورای شهر تهران

در منزلت و اهمیت پژوهش به مناسبت هفته پژوهش
**رنج پنهان پژوهش**

انسان شناسی فرهنگی خود یکی از حوزه‌های انسان‌شناسی است. زیرا مطالعه فرهنگ و در حقیقت مطالعه رفتارهای اجتماعی انسان و نتایج آن است. رشته‌ای که شیوه‌های زندگی مردم، نظام‌های اجتماعی، اعتقادی، باورها، عقاید، دانش و علوم، هنر و صنایع و فناوری و دین و اخلاق و آداب و رسوم و هنجارها و رفتارها را در بر

می‌گیرد که همه اینها به نوعی فرهنگ شناسی است. این مفاهیم و مضامین هر کدام به شاخه‌ای و رشته‌ای تبدیل شده‌که می‌تواند منبع پژوهش قرار گیرد و در عین حال همه آنان تحت لوای انسان شناسی فرهنگی تقسیم‌بندی می‌شوند و در نهایت همان تاریخ حیات اجتماعی و تحول و تکامل زندگی بشری را به‌عنوان پژوهش‌های انسان‌شناختی مورد مطالعه قرار می‌دهند و این مقدمه بر سه محور انسان، رابطه و محیط، جهان پرگستره‌ای را در بر می‌گیرد. مایه و پایه انسان با پژوهش‌های معناشناختی تجلی و هویت می‌یابد و این اصل مسلمی است که جوامعی که به پژوهش اهمیت می‌دهند دارای «پویایی فرهنگی» هستند و الا با وجود سابقه و تمدن کهن ایرانی در حد «انباشتگی فرهنگی» باقی می‌مانند. پژوهش، منبعی برای آفرینش است. مگر می‌شود بدون پژوهش به آموزش رسید یا آفرینش حاصل کرد این سه با هم مثلث

**بیژن بنفشه‌خواه: نمی‌دانم ماجرای موج ضدسلب‌ریتی در تلویز یون چیست!**

**موجی به‌عنوان ضدسلب‌ریتی در تلویزیون**

**راه افتاده که به‌برخی هنرمندان خائن هم**

**می‌گویند و نمی‌دانم قضیه چیست! کسانی**

**که در باره مالیات هنرمندان حرف می‌زنند**

**به این فکر نمی‌کنند که مافقط حدود ۲۰**

**سوپرستار داریم، باقی مثل کارگرها حقوق**

**و دستمزد دریافت می‌کنند.**

بخشی از گفت‌وگوی این بازیگر در مهر

### نقد فرهنگ

**ستون چهارشنبه**



روبرت صافاریان منتقد، نویسنده و مترجم

سلیقه زیبایی‌شناختی ما را شکل می‌دهد. ماشین‌ها بخش مهمی از چشم‌انداز بصری شهر را می‌سازند.

می‌دانیم نحوه استفاده از ماشین چه ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ حاکم بر یک جامعه دارد؟ درباره فرهنگ رانندگی تهرانی‌ها زیاد گفته شده است.

درباره استفاده از ماشین تک‌نشینان در برابر استفاده از وسایل نقلیه عمومی هم همین‌طور. زیاد شنیده‌ایم که وقتی پشت فرمان

می‌نشینیم انگار آدم دیگری می‌شویم و دیگر آن نستیم برای اینکه چه کسی اول از در بگذرد تعارف تکه پاره می‌کنیم و وقت تلف می‌کنیم، اما درباره جای ماشین‌ها در چشم‌اندازهای شهری کمتر شنیده‌ایم.

منظره شهر تابلویی است که شب و روز تماشایش می‌کنیم؛ از پنجره ماشینی که می‌رانیمش یا مسافارش هستیم، از پنجره خانه یا دفتر کارمان، از بالای پل عابر. اما چرا ماشین‌های تهران (و ایران)

## قدر فریدون‌ها را بدانیم

**اکران فیلم تازه فریدون جیرانی «آشفنگی» از امروز در سینماهای سراسر کشور آغاز می‌شود و قرار است در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر به پاس چهارده‌ه فعالیت‌هنری از جیرانی تجلیل شود.**

## حرف روز



حبیب اسماعیلی بازیگر و تهیه‌کننده

را در فیلم‌سازی فریدون جیرانی هم می‌توان دید. فارغ از تجربه، ذهن پویا و خلاق فیلمساز این تصور را برای مخاطب ایجاد می‌کند که کارگردانی جوان آن را ساخته است؛ البته جیرانی اعتقادات خاص خودش را هم دارد که او را متمایز می‌کند. به عنوان فردی که با

جیرانی در مطبوعات همکار بودم، باید بگویم فریدون برای هر کاری که اقدام کند اراده‌ای قوی دارد و کار را به بهترین نحو انجام می‌دهد. نمونه‌اش هفته‌نامه سینما است که با وجود رقابت شدید بین نشریات سینمایی در آن دوره به یکی از پرتیراژترین نشریه‌های سینمایی دوران خودش تبدیل شد.

علاوه بر دانش عمیق، او ژورنالیستی تمام‌قد است؛

تیتراهای که انتخاب می‌کرد و مصاحبه‌هایی که

انجام می‌داد بازخورد خیلی خوبی داشت.

صبح سه‌شنبه هر هفته تمام اهالی سینما

منتظر بودند تا ببینند چه عکس‌ها و

مصاحبه و خبرهایی در مجله سینما

منتشر شده است. تداوم موفقیت او

در عرصه مطبوعات را می‌توان

در نشریاتی که بعدها در

حوزه سینما منتشر کرد از

جمله روزنامه سینما

**کریم‌تف رضایی: جذابیت موسیقی فیلم**

**در محدودیت‌های پیش روی آن است**

**محدودیت جزروند خلق موسیقی**

**متن یک فیلم است، یعنی زمانی که**

**آهنگساز باسفرارش ساخت موسیقی یک**

**فیلم مواجه می‌شود، باید خلاقیت‌اودر**

**خدمت فیلم و کارگردان باشد. جذابیت**

**موسیقی فیلم در این است که بتوانیم**

**خواسته‌های کارگردان را در نظر بگیریم.**

بخشی از گفت‌وگوی این آهنگساز باهنر آنلاین



تقریباً همه سیاه و سفیدند؟ این برای شهری که هوایش یکی از آلوده‌ترین و کثیف‌ترین هواهای دنیاست، قدری عجیب می‌نماید. هم ماشین سیاه و هم سفید خیلی زود گرد و غبار و سیاهی ناشی از آلودگی را نشان می‌دهند.

اینکه کارخانه‌های ما ماشین رنگی بسیار کم تولید نمی‌کنند آیا خواست کارخانه‌هاست یا تقاضای مشتریان؟ به نظر می‌رسد باید خواست کارخانه‌های خودروسازی باشد. احتمالاً محدود کردن رنگ ماشین هزینه نهایی کارخانه را پایین می‌آورد؛ اما خریداران ماشین هم نباید چندان مشکلی داشته باشند یا اهمیتی بدهند. به هر رو، خواست هر که باشد، این همه ماشین سیاه و سفید و خاکستری چشم‌انداز شهر را یکتواخت و دلمرده می‌کند. در این میان تنها تاکسی‌های زرد و سبز هستند که رنگی به شهر می‌دهند و به‌نظم خیلی فکشگ‌تر از تاکسی‌های نارنجی قدیم هستند.

ناگفته نماند که افزایش تعداد ماشین‌های سیاه و سفید و طیف خاکستری یک روند عمومی در دنیاست. مؤسسه‌ای به نام «اگزالتا» هر سال گزارشی درباره محبوبیت رنگ‌های خودرو براساس خودروهای فروخته شده منتشر می‌کند. در سال ۲۰۱۸ میلادی ۸۰ درصد ماشین‌های فروخته شده در طیف سیاه، سفید، خاکستری و تیره‌ای بوده‌اند.

تحلیل این گرایش البته کار دیگری است؛ اما به نظر می‌رسد در اینجا هم دنباله‌روی از سلیقه جهانی کار خود را می‌کند. در یک نگاه کلی شاهد دور شدن از سلیقه‌ای هستیم که فضای رنگارنگ را

می‌پسندد؛ انگار سیاه و سفید شیک تر و شهری تر است و این عکس

گرایشی است که در پوشاک مشاهده می‌کنیم؛ مثلاً امروزه حتی

بزرگ‌تراها هم کفش‌های ورزشی رنگی می‌پوشند.

تنوع ماشین‌ها البته بیشتر شده؛ زمانی تهران پر بود از پیکان.



دید. خیلی از سینمایی‌نویس‌هایی که امروز در این عرصه فعالیت

دارند به نوعی مدیون فریدون هستند. او پشتکار خیلی خوبی دارد

و با تمام توان تلاش می‌کند تا به چیزی که می‌خواهد برسد. در

حوزه فیلمسازی هم همین‌طور است. اگر چه فیلم اولش «صعود»

به خاطر اعمال سخت ممیزی آن‌طور که باید و شاید دیده نشد

ولی بازگشت دوباره او به سینما بعد از چند سال وقفه درخشان

بود. ساخت فیلم «قرمز» را که آن زمان نام دیگری داشت، من

به جیرانی پیشنهاد دادم. ابتدا زیر بار نمی‌رفت و می‌گفت دور

فیلمسازی را خط کشیده است. در گفت‌وگوهای جمعی دوستانه

خطاب به جیرانی می‌گفتم که اگر فیلمسازی فیلم اولش آن‌طور

که باید و شاید نگرفت، دلیل نمی‌شود قید فیلمسازی را بزند و فکر

کند کارش را بلد نیست. ما به استعداد و ذهنیت و پشتکار فریدون

اعتقاد داشتیم و می‌دانستیم کارش را بلد است. آنقدر اصرار کردیم

تا بالاخره قبول کرد. فیلمنامه را براساس سوژه‌ای که در یکی از

شهرستان‌ها اتفاق افتاده بود نوشت و فیلم را ساخت و «قرمز»

شد یکی از پرفروش‌ترین فیلم‌های سینما و فیلمی که هنوز قابل

دیدن است. در مجموع فیلم‌های فریدون جیرانی فیلم‌های

متفاوتی است. از صعود تا «آشفنگی» یا سریال‌هایی

که کارگردانی کرده هیچ وقت به‌دنبال آن نبوده

که نسخه دوم و سوم از موفقیتی که تجربه کرده را

ببازد و آن را تکرار کند. چرا که او آدم ریسک‌پذیری

است و همیشه به‌دنبال اتفاق‌های تازه و بکر است.

فیلمی را سیاه و سفید می‌سازد و فیلمی دیگر را از

نگاهی دیگر متفاوت می‌سازد. فیلم‌هایش

در عین اینکه خط مشی خاصی دارد

و می‌توان امضای جیرانی را در آن

جست‌وجو کرد، فیلم‌های متفاوتی

است. فیلم تازه او «آشفنگی» هم

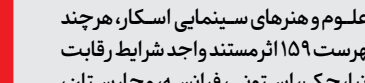
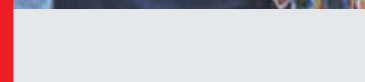
فیلم متفاوتی است. اگرچه در حوزه

هنر سلیقه‌ها و پسند آدم‌ها متفاوت

است اما فیلمی است که من دوستش

دارم و امیدوارم مخاطبان سینما هم

دوستش داشته باشند.



روز گذشته فهرست اولیه نامزدهای جوایز اسکار ۲۰۲۰ منتشر شد و آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار، هرچند «در جست‌وجوی فریده» نماینده ایران در بخش بهترین فیلم بین‌الملل را در فهرست ۱۵۹رستنده واجد شرایط رقابت قرار داده بود اما در فهرست نیمه‌نهایی قرار نداد تا کشورهای کره جنوبی، اسپانیا، چک، استونی، فرانسه، مجارستان، مقدونیه، لهستان، روسیه و سنگال همچنان چشم امیدشان به جوایز ۲۰۲۰ باشد. در مطلب «روایت روز» صفحه ۶ روزنامه امروز، به‌صورت مفصل به نماینده ایران در اسکار پرداخته‌ایم و از فراز و فرودهای «در جست‌وجوی فریده» نوشت‌ایم.



رفته رفته به گوشه‌گیری و دوری از مردم روی آورد. کارش قبلاً هم برایش نفرت آور بود ولی حالا دیگر غیر قابل تحمل شده بود. می‌ترسید برایش پاپوش بدوزند، مثلاً بدون اینکه متوجه شود رشوه‌ای در جیبش بگذارند و بعد رسوایش کنند.



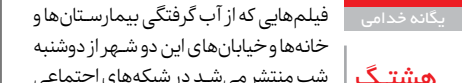
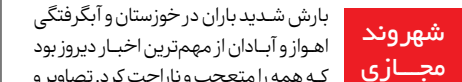
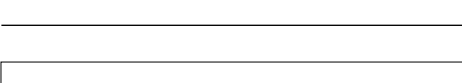
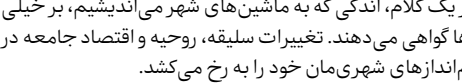
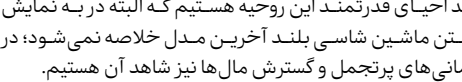
اتاق شماره ۶ آتتون چخوف، آنتین کلکار نشر هرمس

امروز پرابرایدهای سفید با آن برابری می‌کنند؛ البته به پای شهر انباشته از پیکان نمی‌رسند. به هر رو در کنار این پرابرایدهای سفید و فرسوده، ماشین‌های دیگر هم هستند و در میان این ماشین‌های دیگر، بخصوص ماشین‌های آخرین مدل و بسیار گرانبهیمی که در کنار پرابرد قراضه‌ها از فاصله طبقاتی سخن می‌گویند. پرابرد سفید تقریباً ماشین «دیفالت» استن پ است و ماشین رایج مسافركشان شهری و در برابرش ماشین‌های شاسی بلند چندصد میلیون تومنی را داریم.

ماشین‌های شاسی‌بلندی که در شهر جولان می‌دهند شایسته توجه ویژه‌اند؛ ماشین شاسی بلند البته هیچ مناسبتی با رانندگی در شهر ندارد. شاسی بلند برای رانندگی در جاده‌های ناهموار خاکی مناسب است؛ اما گویا وقتی سوار ماشین شاسی‌بلندی یک جور از بالا به پیرامونت نگاه می‌کنی. من ماشین شاسی‌بلند که ترانده‌ام، اما در ماشین‌های معمولی، در برابر آنها احساس ناامنی می‌کنم. اینها عموماً ماشین‌های مدل جدید و گران‌تر هم هستند. برای من اینها همیشه مظهر جلوه‌فروشی و نمایش تمول بوده‌اند. روحیه‌ای که به آن «شو آف» هم می‌گویم.

این روحیه در یکی دو دهه بعد از انقلاب ضعیف شده بود؛ شاید بگویند جای خود را به یک نوع ری داده بود. به هر رو آدم‌ها جرأت نمی‌کردند تا میل نداشتند ثروت خود را به رخ بکشند؛ و گویی حالا شاهد احیای قدرتمند این روحیه هستیم که البته در به نمایش گذاشتن ماشین شاسی بلند آخرین مدل خلاصه نمی‌شود؛ در میهمانی‌های پر ختمل و گسترش مال‌ها نیز شاهد آن هستیم.

در یک کلام، اندکی که به ماشین‌های شهر می‌اندیشیم، بر خیلی چیزها گواهی می‌دهند. تغییرات سلیقه، روحیه و اقتصاد جامعه در چشم‌اندازهای شهری‌مان خود را به رخ می‌کشد.



بارش شدید باران در خوزستان و آبگرفتگی اهواز و آبادان از مهم‌ترین اخبار دیروز بود که همه را متعجب و ناراحت کرد. تصاویر و فیلم‌هایی که از آب‌گرفتگی بیمارستان‌ها و خانه‌ها و خیابان‌های این دو شهر از دوشنبه شب منتشر می‌شد در شبکه‌های اجتماعی

بارها بازنشر شد و کسانی که در این دو

شهر زندگی می‌کردند از حال و روزشان

می‌نوشتند. البته ساکنان شهرهای دیگر هم سعی می‌کردند با

این دو شهر همراهی کنند. مرگ ۲ بیمار به‌دلیل قطعی برق پس

از بارندگی از خبرهای ناراحت‌کننده‌ای بود که دیروز کاربران به

بهانه آن نسبت به سوء مدیریت در این شهرها اعتراض کردند:

«بارون تا وقتی لذت بخشه که همه ازش لذت ببرن. وقتی می‌بینی

موظفات دارن زجر می‌کنن دیگه کتونی دولتی خوار بارون بیداد،

«آیا وزارت نیرو نمی‌تونه همه آب‌فاهای کشور رو بسنج که با تاکنر

ولجن کش و... برن کمک اهوازی‌ا‌خونه مردم رو خالی کنن؟!‌

هیچ راهی برای دور کردن و دفع آب جمع شده نیست؟»، «شهر

کم غرق شده است...»، «خبر ناراحت‌کننده اینکه بعد از بارش

کم سبایقه در اهواز به خاطر نوسانات شدید برق شهری، ژنراتور

بیمارستان امام خمینی دیر عمل کرد و در نهایت به‌دلیل از کار

افتادن دستگاه‌های اکسیژن چهار زن از دنیا رفتند! افکار عمومی

منتظر رسیدگی جدی به این پرونده هستند!»، «اهواز سال‌هاست

رفتار آبگرفتگی معایبره و هیچ کس براش کاری نمی‌کنه.

اون هواشونه، اینم معایبرش! امسال هم که سیل اومده بود و

معلوم بود که وضع خراب‌تر می‌شه.اون ماشین کاملاً زیر آب و

راننده‌اش در حال شنا. «گویا دیروز ساعت ۵ تا ۷ عصر بارندگی

بوده، طی دو ساعت بارندگی و گذشت ۱۲ ساعت این آبگرفتگی

که می‌بینید ایجاد شده، حالا اگر چندساعتی باران ببارد، پختل

با قایق باید جابه‌جا بشیم! امان از سوء مدیریت، اما!!!!!!»،

«کاری که یه بارون با اهواز ۸ سال جنگ نکرد!»، «فقط یک

لحظه حال مردم اهواز رو تصور کن فقط یک لحظه تصور کن

خونه ات با فاضلاب پر بشه... هیچ‌کس قرار نیست به داد این

مردم برسه؟»، «سوالی که همیشه تو ذهنم میاد اینه که شهردار

و فرماندار و نماینده و اون اعضای شورای شهر آبادان، دقیقاً‌بابت

چه چیزی حقوق می‌گیرن؟»، «اگر بلایی هست که بر سر اهواز

آبادان نیامده باشد، شما بگویید!»، «آبادان ونیزته...»، «وضعیت

فرودگاه آبادان جویره که باید با کشتی بری تو فرودگاه؟».

### بازگشت در هاله‌ای از ابهام

استقلالی‌ها همچنان ناظر ماجرای استراماچونی

و رفتنش و البته بهدی باشگاه استقلال به او

هستند. دیروز استراماچونی در پاسخ به سایت

ایتالیایی iltirreno گفت: «من قبلاً به بازیکنانم گفتم اشوب

برمی‌گردم.» این مصاحبه طرفداران استقلال را دلگرم و امیدوار

کرد هر چند که خیلی‌ها همچنان نگران بودند و به نظرشان ماجرا